



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	۲۸	دوره انتشار	۸	صفحات	۱-۲۲
------------	------	--------------	----	-------------	---	-------	------

بررسی فقهی و حقوقی پیش‌بینی اولیه و ثالثه جرم در پرتو نظریه‌های فرصت و انتخاب عقلانی

خانم زینب مجلسی، آقای دکتر علی اکبر ایزدی فرد، آقای دکتر محمد مهدی زارعی و آقای دکتر علی اکبر جهانی

گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، جمهوری اسلامی ایران

گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، جمهوری اسلامی ایران

گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، جمهوری اسلامی ایران

دانشیار رشته فقه و حقوق دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

چکیده

پیش‌بینی جرم، در سال‌های اخیر، جایگاه مهمی در سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه پیدا کرده، لکن از منظر فقه اسلامی و اصول حقوق کیفری هنوز درباره حدود مشروعیت آن اتفاق نظر وجود ندارد. همین ابهام باعث شد که پژوهش حاضر بر دو سطح پیش‌بینی اولیه و ثالثه متمرکز شده و موضوع از زوایای فقهی و حقوقی مورد بررسی واقع گردد. پژوهش حاضر، به روش تحلیلی-انتقادی، به طرح و بررسی این پرسش‌ها پرداخته است که آیا این دو نوع پیش‌بینی از نظر فقهی و حقوقی یکسان ارزیابی می‌شوند یا خیر و اینکه نظریه‌های فرصت و انتخاب عقلانی تا چه اندازه می‌توانند مبنای قابل اتکایی جهت مشروعیت آن‌ها باشند. گردآوری و تحلیل داده‌ها بر اساس منابع کتابخانه‌ای، متون فقهی و یافته‌های جرم‌شناسی، حاکی از آن است که پیش‌بینی ثالثه، به‌ویژه در حوزه تصمیم‌های کیفری، با اصولی مانند قاعده درء، اصل برائت و حرمت تجسس سازگار نیست؛ اما پیش‌بینی اولیه، در صورتی که در حوزه‌های غیرکیفری مانند تخصیص منابع یا طراحی محیطی به کار رود و شرایطی نظیر رعایت حریم خصوصی و پرهیز از ظن محض رعایت شود، از مشروعیت بیشتری برخوردار است.

واژگان کلیدی: پیش‌بینی جرم، فقه اسلامی، اصول حقوق کیفری، نظریه فرصت، نظریه انتخاب عقلانی، پیش‌بینی اولیه، پیش‌بینی ثالثه

طبقه‌بندی: JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی



A Jurisprudential and Legal Analysis of Primary and Tertiary Crime Prediction in Light of Opportunity Theory and Rational Choice Theory

Abstract

In recent years, crime prediction has gained a significant position in preventive criminal policy; however, from the perspective of Islamic jurisprudence and the fundamental principles of criminal law, there is still no consensus regarding the limits of its legitimacy. This ambiguity led the present study to focus on two levels of prediction - primary and tertiary - and to examine the issue from jurisprudential and legal viewpoints. Using an analytical-critical method, the research addresses whether these two forms of prediction are evaluated similarly in Islamic jurisprudence and criminal law, and to what extent Opportunity Theory and Rational Choice Theory can provide a reliable basis for their legitimacy. The collection and analysis of data drawn from library sources, classical jurisprudential texts, and criminological findings indicate that tertiary prediction - especially when used as a basis for criminal decisions - is incompatible with principles such as the rule of dar' (presumption of avoidance of punishment), the presumption of innocence, and the prohibition of unwarranted surveillance. In contrast, primary prediction, when applied in non-criminal domains such as resource allocation or environmental design and accompanied by safeguards such as respect for privacy and avoidance of mere suspicion, enjoys a higher degree of legitimacy.

Keywords: Crime Prediction, Islamic Jurisprudence and Law, Primary Prediction, Tertiary Prediction, Opportunity Theory, Rational Choice Theory



متن مقاله

پیش‌بینی تأکید نموده و کمتر به چالش‌های هنجاری و سیاستی آن عنایت داشته‌اند (پری و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۲۲). در ادبیات داخلی نیز اگرچه مباحثی درباره سیاست جنایی پیشگیرانه و نظریه‌های جرم‌شناختی مطرح شده است (لازرژی، ۱۴۰۰، ص ۴۱)؛ لکن هنوز تحلیل یکپارچه‌ای وجود ندارد که پیش‌بینی جرم را در پیوند با نظریه‌های فرصت و انتخاب عقلانی و در چارچوب ملاحظات فقهی و اصول بنیادین حقوق کیفری بررسی نماید؛ به دیگر سخن، گسستی میان ادبیات فنی-تجربی پیش‌بینی جرم و ادبیات نظری-هنجاری سیاست جنایی مشاهده می‌گردد که این مقاله در صدد جبران آن است.

ذیل موارد فوق، مسئله اصلی مقاله حاضر، آن است که پیش‌بینی جرم چه نقشی می‌تواند در سیاست جنایی پیشگیرانه ایفاء نماید و این نقش در پرتو نظریه‌های فرصت و انتخاب عقلانی تا چه اندازه موجه، کارآمد و از نظر حقوقی و اخلاقی قابل دفاع است. این مقاله با اتخاذ روش تحقیق تحلیلی-انتقادی به ارزیابی موضوع می‌پردازد. هدف از رویکرد تحلیلی-انتقادی در این پژوهش آن است که افزون بر توصیف و دسته‌بندی دیدگاه‌های موجود، با تحلیل منطقی استدلال‌های طرفداران و مخالفان پیش‌بینی جرم، به ارزیابی آنها از منظر فقه اسلامی، اصول حقوق کیفری و یافته‌های جرم‌شناسی تجربی پرداخته شده و در نهایت، با تفکیک میان سطوح مختلف پیش‌بینی جرم، چارچوبی هنجاری جهت کاربردهای مشروع و نامشروع آن طراحی گردیده است.

یافته‌های این پژوهش نشان خواهد داد که تفکیک میان «پیش‌بینی کیفری» و «پیش‌بینی غیرکیفری» و نیز تفکیک میان سطوح اولیه، ثانویه و ثالثه پیش‌بینی جرم، کلید حل مناقشات نظری و هنجاری در این حوزه است؛ به طور خلاصه، پیش‌بینی ثالثه که در قالب پیش‌بینی کیفری به کار می‌رود، با اصول بنیادین فقه و حقوق کیفری تعارضی غیرقابل رفع

پیش‌بینی جرم در دهه‌های اخیر به یکی از محوری‌ترین مباحث در سیاست جنایی پیشگیرانه تبدیل شده است. تحول در الگوهای حکمرانی امنیت، گسترش داده‌های کلان و توسعه ابزارهای تحلیل پیش‌بینانه، سیاست‌گذاران جنایی را از رویکردهای واکنشی به سمت الگوهای پیش‌نگرانه سوق داده است. این جابه‌جایی پارادایمی، نویدبخش افزایش کارآمدی اقدامات پلیسی، بهینه‌سازی تخصیص منابع و در نهایت کاهش نرخ جرم است؛ با این وجود، پرسش بنیادین همچنان پابرجاست که پیش‌بینی جرم دقیقاً از چه جایگاهی در سیاست جنایی پیشگیرانه برخوردار است و چگونه می‌توان از ظرفیت‌های آن، بدون نقض فقه اسلامی و اصول بنیادین حقوق کیفری بهره برد.

اهمیت این پژوهش از آن روست که پاسخ به این پرسش، می‌تواند مسیر سیاست‌گذاری جنایی در ایران را تحت تأثیر قرار دهد و از اتخاذ راهکارهایی که با مبانی شرعی و حقوقی ناسازگارند، جلوگیری نماید. نظریه‌های جرم‌شناختی نوین، علی‌الخصوص نظریه فرصت و نظریه انتخاب عقلانی، چارچوبی فراهم می‌کنند که بر مبنای آن می‌توان رفتار مجرمانه را در تعامل میان انگیزه، فرصت و ارزیابی عقلانی هزینه-فایده تحلیل نمود. این نظریه‌ها از یک سو بر قابلیت پیش‌بینی‌پذیری رفتار انسانی تأکید دارند؛ اما از دیگر سو، به دلیل پویایی موقعیت‌های جرم‌زا، تنوع الگوهای رفتاری و ذهنی بودن فرایند تصمیم‌گیری مجرمان، محدودیت‌های قابل توجهی را نیز مطرح می‌نمایند.

با وجود رشد ادبیات مربوط به پیش‌بینی جرم، بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها عمدتاً بر جنبه‌های فنی، الگوریتمی و داده‌محور تمرکز داشته‌اند و کمتر به پیامدهای نظری، حقوقی و اخلاقی آن پرداخته‌اند. مطالعات بین‌المللی در حوزه «پلیس پیش‌بین» غالباً بر کارآمدی ابزارهای



(آمور، ۲۰۲۰، ص ۵۸؛ برین، ۲۰۲۰، ص ۱۴۵-۱۱۲؛ زدنر، ۲۰۰۷، ص ۲۶۲). تحلیل جرم عمدتاً ناظر بر گذشته است؛ لکن، پیش‌بینی جرم ناظر بر آینده و احتمال وقوع جرم در زمان و مکان مشخص می‌باشد (راتکلیف، ۲۰۱۹، ص ۵۵)؛ همچنین ارزیابی خطر، عمدتاً فردمحور است؛ در حالی که پیش‌بینی جرم می‌تواند فردی، گروهی یا محیطی باشد و دامنه وسیع‌تری را پوشش دهد (برک، ۲۰۱۲، ص ۱۱).

۱-۳. سطوح سه‌گانه پیش‌بینی جرم

ادبیات جرم‌شناسی سه سطح متمایز برای پیش‌بینی جرم قائل است که هر یک مخاطب، هدف، ابزار و پیامدهای حقوقی متفاوتی دارند (پری و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۲۵-۱۸) که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

سطح نخست یا همان پیش‌بینی اولیه (Primary Prediction)، ناظر به عموم مردم بوده و هدف آن شناسایی روندهای کلان جرم، مناطق جرم‌خیز و زمان‌های پرخطر می‌باشد. این سطح بیشترین ارتباط را با تحلیل نقاط داغ ارتکاب جرم (Hot Spots)، الگوهای مکانی-زمانی و نظریه فرصت دارد. پیامد حقوقی آن نیز محدود است؛ زیرا مداخله مستقیم بر افراد را توجیه نمی‌کند و عمدتاً معطوف به تخصیص منابع پیشگیرانه است. مطالعات تجربی نشان داده‌اند که مدل‌های پیش‌بینی در این سطح می‌توانند دقت شناسایی نقاط داغ را بهبود بخشند و همراه با گشت‌زنی هدفمند، کاهش جرم را به همراه داشته باشند (مولر و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۱۴۰۶؛ راتکلیف و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۱۵-۱۲).

سطح دوم یا پیش‌بینی ثانویه (Secondary Prediction)، ناظر به افراد در معرض خطر (مانند نوجوانان در معرض بزهکاری یا گروه‌های آسیب‌پذیر) می‌باشد. این سطح با نظریه انتخاب عقلانی، تحلیل رفتارهای پرخطر و مداخلات اجتماعی و حمایتی پیوند دارد (نجفی توانا، ۱۳۹۶، ص ۹۸؛ پری و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۲۰-۲۲). پیامدهای حقوقی این سطح

دارد؛ حال آن که پیش‌بینی اولیه در چارچوب پیش‌بینی غیرکیفری، با رعایت شروطی من جمله عدم مبنای مجازات، اتکا به علم معتبر، دفع ضرر قطعی و عدم نقض حریم خصوصی، از مشروعیت قابل قبولی برخوردار بوده و می‌تواند جهت بهبود کارآمدی سیاست جنایی پیشگیرانه مساعدت نماید.

۱. چارچوب مفهومی پیش‌بینی جرم

پیش‌بینی جرم در ادبیات جرم‌شناسی، فرایندی است که طی آن با بهره‌گیری از داده‌های تاریخی، الگوهای رفتاری، شرایط محیطی و متغیرهای اجتماعی، احتمال وقوع جرم در آینده برآورد می‌شود (پری و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۲۲)؛ لذا، مرحله‌ای مقدماتی جهت فرایند تصمیم‌سازی پیشگیرانه و رکنی شناختی در سیاست جنایی به شمار می‌رود (لازرز، ۱۴۰۰، ص ۴۱).

۱-۱. عناصر بنیادین پیش‌بینی جرم

سه مؤلفه اصلی و بنیادین پیش‌بینی جرم عبارتند از داده‌ها - من جمله تاریخی، مکانی و جمعیت‌شناختی - (چینی و راتکلیف، ۲۰۱۳، ص ۸۷)، الگوها - من جمله الگوهای زمانی، مکانی و موقعیتی - (برانتینگهام و برانتینگهام، ۱۹۹۳، ص ۱۲) و مدل‌ها - من جمله روش‌های آماری، الگوریتمی و یادگیری ماشین - (برک، ۲۰۱۲، ص ۴)؛ لذا، دقت پیش‌بینی افزون بر کیفیت داده‌ها و توان فنی مدل‌ها، تابع میزان سازگاری الگوهای استخراج‌شده با مبانی نظری جرم‌شناختی و محدودیت‌های حقوقی و اخلاقی می‌باشد.

۲-۱. تمایز پیش‌بینی جرم از مفاهیم مشابه

جهت جلوگیری از خلط مفهومی، تفکیک پیش‌بینی جرم از مفاهیم مشابه ضروری است؛ لذا، پیش‌بینی جرم یک فعالیت شناختی است؛ در حالی که پیشگیری از جرم مداخله‌ای عملی برای کاهش وقوع جرم به شمار می‌رود



پیشینی قرار می‌گیرد. این نوع پیش‌بینی عمدتاً مبتنی بر پیش‌بینی ثالثه (افراد دارای سابقه کیفری) است و هدف آن پیش‌بینی تکرار جرم برای اعمال واکنش کیفری سریع‌تر یا شدیدتر می‌باشد (برک، ۲۰۱۲، ص ۳۳)؛ نمونه‌های آن عبارت است از استفاده از نمرات خطر (Risk Scores) در تصمیمات آزادی مشروط، تعیین شدت نظارت الکترونیک یا افزایش دوره محکومیت بر اساس پیش‌بینی رفتار آینده (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۲۰۰-۲۱۰).

فرایند دوم یا پیش‌بینی غیرکیفری (Non-Criminal Predictive)، به کاربرد پیش‌بینی جرم اطلاق می‌گردد که در آن، نتایج پیش‌بینانه صرفاً برای مدیریت ریسک، تخصیص بهینه منابع، طراحی محیطی، پیشگیری موقعیت-محور و شناسایی نقاط داغ ارتکاب جرم به کار می‌رود و هرگز مبنای مجازات یا محدودیت آزادی افراد قرار نمی‌گیرد (کلارک، ۱۹۹۷، صص ۱۵-۱؛ چینی و راتکلیف، ۲۰۱۳، ص ۱۰۲). این نوع پیش‌بینی، عمدتاً مبتنی بر پیش‌بینی اولیه (عموم مردم و الگوهای مکانی-زمانی) است و هدف آن افزایش کارآمدی اقدامات پیشگیرانه بدون ورود به حوزه مسئولیت‌سازی کیفری می‌باشد (لازرژ، ۱۴۰۰، صص ۴۵-۴۱)؛ نمونه‌های آن عبارت است از تخصیص گشت‌های پلیس به مناطق پرجرم‌تر در ساعات خاص، نصب دوربین‌های نظارتی در نقاط داغ، یا افزایش روشنایی معابر بر اساس الگوهای جرم‌خیز (مولر و همکاران، ۲۰۱۵، صص ۱۴۱۱-۱۳۹۹).

تمایز مذکور، از این حیث حائز اهمیت است که نقدهای بنیادین فقهی و اصول حقوق کیفری - نظیر تعارض با قاعده درء، حرمت تجسس، اصل براءت و اصل قانونی بودن - عمدتاً متوجه پیش‌بینی کیفری می‌باشد (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۳۵؛ سبحانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۲۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۶۰؛ اردبیلی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۲۵)؛ در

حساس‌تر از سطح اولیه است؛ زیرا ممکن است به برچسب‌زنی، مداخلات هدفمند یا اقدامات حمایتی منجر شود.

سطح سوم یا پیش‌بینی ثالثه (Tertiary Prediction)، ناظر به افراد دارای سابقه کیفری بوده و هدف آن، برآورد احتمال تکرار جرم (Recidivism) می‌باشد. ابزارهای این سطح شامل ارزیابی‌های خطر، مدل‌های آماری و شاخص‌های رفتاری است (برک، ۲۰۱۲، ص ۳۳). این سطح بیشترین حساسیت حقوقی و اخلاقی را دارد؛ زیرا ممکن است مبنای تصمیمات قضایی مهمی همانند آزادی مشروط، اقدامات تأمینی یا تعیین شدت نظارت پس از آزادی قرار گیرد.

لازم به تأکید است که مقاله حاضر عمدتاً معطوف به تحلیل پیش‌بینی اولیه در کاربردهای غیرکیفری و مدیریتی است و نقدهای بنیادین مطروحه در خصوص پیش‌بینی ثالثه و مداخلات کیفری با همین تفکیک ارائه خواهد شد.

۴-۱. تمایز بنیادین پیش‌بینی کیفری در برابر پیش‌بینی غیرکیفری پس از تبیین سطوح سه‌گانه پیش‌بینی جرم، ضروری است که پیش از ورود به ارزیابی انتقادی، تفکیکی بنیادین میان دو کاربرد متفاوت پیش‌بینی جرم صورت پذیرد؛ زیرا بسیاری از تعارضات فقهی و حقوقی مطرح‌شده در ادبیات، ناظر به یک نوع خاص از کاربرد است نه کل مقوله پیش‌بینی جرم (پری و همکاران، ۲۰۱۳، صص ۲۵-۱۸؛ فرگوسن، ۲۰۱۷، صص ۵۸-۴۲)؛ فلذا، در ادامه به دو فرایند کیفری و غیر کیفری پیش‌بینی جرم پرداخته می‌شود:

نخستین فرایند یا پیش‌بینی کیفری (Criminal Predictive)، به کاربرد پیش‌بینی جرم اطلاق می‌گردد که در آن، نتایج حاصل از تحلیل‌های پیش‌بینانه، مبنای اعمال مجازات، محدودیت آزادی، تشدید نظارت کیفری، یا هرگونه تصمیم قضایی و اجرایی متضمن مسئولیت‌سازی



تحوّل عقلانیت سیاست‌گذاری امنیتی می‌انجامد و سیاست جنایی را از سطح واکنش‌محور به سطح پیش‌بینی‌محور و آینده‌نگر ارتقاء می‌دهند. در بُعد شناختی، پیش‌بینی جرم امکان شناسایی الگوهای زمانی، مکانی و جمعیتی جرم را پیش از وقوع آن فراهم و سیاست‌گذار را قادر می‌سازد که تصمیمات خود را بر پایه داده‌های معتبر و تحلیل‌های مبتنی بر شواهد اتخاذ نماید (راتکلیف، ۲۰۱۹، ص ۴۴)؛ چنین کارکردی، بنیان هرگونه اقدام پیشگیرانه عقلانی و مبتنی بر روش‌های مبتنی بر شواهد (Evidence-based) به شمار می‌رود (شرمن، ۲۰۱۳، ص ۳۸۰). از منظر فقهی، «قاعده حزم» (لزوم احتیاط و پیش‌بینی در امور) و اصل «تقدیر الأمور قبل وقوعها» - که مؤکد ضرورت تدبیر پیشینی و مدیریت پیش‌دستانه مخاطرات می‌باشد - با کارکرد شناختی هم‌سو می‌باشند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۳). در بُعد مدیریتی، پیش‌بینی جرم به تخصیص بهینه منابع پیشگیرانه، تمرکز بر مناطق جرم‌خیز و طراحی مداخلات هدفمند یاری می‌رساند (چینی و راتکلیف، ۲۰۱۳، ص ۱۰۲) و از هدررفت منابع محدود پلیسی و قضایی جلوگیری نموده و کارآمدی هزینه‌ها را افزایش می‌دهد (ویزبورد و اک، ۲۰۰۴، ص ۴۵). این کارکرد با مبانی فقهی «قاعده نفی سبیل» و «قاعده لاضرر» نیز سازگار است؛ زیرا مدیریت پیشینی خطر، از تحمیل هزینه‌های غیرضروری بر جامعه و دستگاه عدالت کیفری جلوگیری می‌نماید؛ برای نمونه، قاعده لاضرر به صراحت هر حکم ضرری را نفی نموده و قاعده نفی سبیل، سلطه و تحمیل زبان‌های غیرقابل توجیه بر جامعه را روا نمی‌دارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۷۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۹۱).

در بُعد هنجاری، پیش‌بینی جرم هنگامی که در چارچوب غیرکیفری و با رعایت تضمین‌های حقوقی به کار گرفته شود، می‌تواند تعادل میان ضرورت

حالی که پیش‌بینی غیرکیفری - به شرط رعایت تضمین‌های لازم - از دامنه این نقدهای بنیادین خارج بوده و می‌تواند در چارچوب قاعده لاضرر (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۵، ص ۴۲۷-۴۳۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۹۲-۲۹۴) و اهداف مشروع پیشگیری محیطی، از جایگاهی قابل دفاع برخوردار باشد (هارکورت، ۲۰۰۷، ص ۱۱۲-۸۵؛ تادروس، ۲۰۱۶، ص ۲۳۵-۲۱۰). مقاله حاضر در ادامه، بر همین مبنا، میان این دو کاربرد تفکیک قائل شده و نقدهای خود را معطوف به پیش‌بینی کیفری (به‌ویژه پیش‌بینی ثالثه) خواهد ساخت؛ در عین حال، ظرفیت‌های پیش‌بینی غیرکیفری (به‌ویژه پیش‌بینی اولیه) را در چارچوب شرایط مشخص به رسمیت می‌شناسد.

بررسی عناصر بنیادین پیش‌بینی جرم و سطوح سه‌گانه آن نشان می‌دهد که پیش‌بینی جرم چارچوبی معرفتی چندلایه است. تفکیک سطوح و تفکیک کاربردهای کیفری و غیرکیفری، مبنای اصلی ارزیابی انتقادی در ادامه خواهد بود.

۲. نقش پیش‌بینی جرم در سیاست جنایی پیشگیرانه

پیش‌بینی جرم در سیاست جنایی پیشگیرانه، طی دهه‌های اخیر، به یکی از محورهای اصلی تحوّل در حکمرانی امنیتی تبدیل شده است؛ تحوّل فوق‌الذکر، نتیجه فاصله‌گیری سیاست جنایی از الگوهای واکنشی و حرکت به‌سوی مدیریت پیش‌دستانه خطر است؛ رویکردی که در آن، پیش‌بینی جرم نه صرفاً یک ابزار فنی، بلکه بخشی از عقلانیت داده‌محور در تصمیم‌سازی امنیتی تلقی می‌گردد (پری و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۵-۱؛ فرگوسن، ۲۰۱۷، ص ۴۲).

۲-۱. کارکردهای سه‌گانه پیش‌بینی جرم

پیش‌بینی جرم، در سیاست جنایی پیشگیرانه، افزون بر یک ابزار فنی، دارای کارکردهای شناختی، مدیریتی و هنجاری است که در مجموع به



در کنار این مبانی، «قاعده احتیاط در عرض» نیز مانع مهمی در برابر مداخلات مبتنی بر پیش‌بینی به شمار می‌رود؛ زیرا هرگونه اقدام پیش‌دستانه که احتمال لطمه به آبرو، حیثیت یا شخصیت اجتماعی افراد - حتی احتمال ضعیف - داشته باشد، از نظر شرعی محل منع است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۳۶؛ الموسوی الخمینی، بی-تا، ج ۲، ص ۲۲۷). مدل‌های پیش‌بینی جرم، علی‌الخصوص در سطح ثالثه، با برچسب‌گذاری افراد بر اساس احتمال ارتکاب جرم، عملاً موجب تعرض به عرض و جایگاه اجتماعی آنان شده و این امر با مبانی احتیاط در عرض ناسازگار می‌باشد. چالش دقت و قابلیت اتکای پیش‌بینی‌ها نیز افزون بر یک مسئله فنی، پیامدهایی هنجاری و ساختاری به دنبال دارد. داده‌های ناقص، سوگیری‌های الگوریتمی و بازتاب تبعیض‌های تاریخی، علاوه بر کاهش دقت مدل‌ها، موجب می‌شوند که تصمیمات مبتنی بر این مدل‌ها، به بازتولید همان تبعیض‌های گذشته بینجامد (لام و آیزاک، ۲۰۱۶، ص ۱۵؛ اونیل، ۲۰۱۶، ص ۸۷).

از منظر فقهی نیز اصل عدم حجیت ظن و قاعده لاضرر، تصمیم‌گیری مبتنی بر داده‌های غیرقطعی را فاقد اعتبار می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۹۱؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۵، ص ۴۲۷-۴۳۱)؛ بنابراین، مسئله مدنظر تنها «خطای الگوریتم» نیست؛ بلکه «خطای هنجاری» است؛ یعنی اتکا به داده‌هایی که از حیث معرفتی و اخلاقی، توانایی توجیه مداخله کیفری را ندارند.

در سطح اخلاقی، مدل‌های پیش‌بینی با ایجاد چرخه‌های بازخورد تبعیض‌آمیز، ساختارهای نابرابر را تقویت می‌نمایند (انساین و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۱۷۱-۱۶۰). افزایش نظارت در مناطق خاص، کشف بیشتر جرم در همان مناطق را به دنبال داشته و این امر به‌طور کاذب، صحت مدل را تأیید می‌کند (اونیل، ۲۰۱۶، ص ۹۲). از نگاه فقهی، آیه «وَلَا تَجَسَّوْا»

پیشگیری و رعایت حقوق بنیادین شهروندان را برقرار سازد (برک، ۲۰۱۲، ص ۱۱؛ زدنر، ۲۰۰۹، ص ۶۷). این بُعد، از منظر فقهی نیز با اصولی همچون «اصل برائت»، «قاعده درء» و «اصل منع تجسس» پیوند می‌یابد که همگی بر ضرورت محدودسازی مداخلات پیش‌بینی و رعایت حرمت حریم خصوصی تأکید دارند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۴۵؛ نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۲۹۸)؛ بدین ترتیب، پیش‌بینی جرم علاوه بر ابزار فنی تحلیل داده‌ها، سازوکاری جهت تنظیم نسبت میان امنیت و آزادی در سیاست جنایی پیشگیرانه به شمار می‌رود.

۲-۲. چالش‌های حقوقی، اخلاقی و الگوریتمی پیش‌بینی جرم
پیش‌بینی جرم، با وجود کارکردهای شناختی، مدیریتی و هنجاری خود، همچنان با چالش‌های بنیادینی در سطوح گوناگون حقوقی، اخلاقی، فقهی و الگوریتمی مواجه است؛ چالش‌هایی که افزون بر زیرسوال بردن کارآمدی این رویکرد، مشروعیت آن را نیز (در سیاست جنایی پیشگیرانه) با تردیدهای جدی روبه‌رو می‌سازد.

مهم‌ترین چالش، تعارض میان منطق پیش‌بینی و مبانی هنجاری نظام حقوقی و فقهی است؛ زیرا پیش‌بینی جرم، علی‌الخصوص در سطح ثالثه، بر ظن و احتمال استوار بوده و همین امر موجب می‌گردد که مداخلات مبتنی بر آن، پیش از تحقق رفتار مجرمانه اعمال گردد. چنین مداخلاتی با اصولی چون قانونی بودن، اصل برائت و قاعده «الحدود تدرأ بالشبهات» در تعارض قرار می‌گیرند (ابن‌قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۱۰، ص ۲۹۹؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۳۵). این تعارض صرفاً شکلی نیست؛ بلکه نشان‌دهنده ناسازگاری معرفتی میان «منطق احتمالات» و «منطق تکلیف‌محور» در فقه است؛ جایی که هرگونه تصمیم کیفری باید بر تحقق فعل و قطعیت استوار باشد، نه بر پیش‌بینی رفتار آینده (اشورث و زدنر، ۲۰۱۴، ص ۱۱۲).



محدودیت‌ها بیانگر آن است که مشروعیت پیش‌بینی جرم نیازمند بازنگری عمیق و تنظیم‌گری دقیق‌تر است؛ زیرا اتکا به مدل‌های پیش‌بینی بدون عنایت به مبانی هنجاری، فقهی و علی-الخصوص قاعده احتیاط در عرض می‌تواند به تضعیف اصول بنیادین عدالت کیفری و تعرض به حیثیت شهروندان بینجامد.

۳. پیش‌بینی جرم بر اساس نظریه فرصت

نظریه فرصت (Opportunity Theory)، بر این فرض استوار می‌باشد که جرم بیش از آنکه حاصل انگیزه‌های عمیق باشد، نتیجه فراهم شدن فرصتی مناسب است (فلسون و کلارک، ۱۹۹۸، ص ۲). مرتبط با چارچوب فوق، نظریه الگوهای جرم (Crime Pattern Theory) نیز نشانگر آن است که رفتار مجرمانه در بستر الگوهای مکانی-زمانی قابل پیش‌بینی شکل می‌گیرد (برانتینگهام و برانتینگهام، ۱۹۹۳، ص ۲۵۹-۲۹۴) و نظریه فعالیت روزمره (Routine Activity Theory)، سه عنصر «هدف مناسب»، «مرتکب بالقوه» و «فقدان مراقبت» را جهت وقوع جرم ضروری می‌داند (کلارک و فلسون، ۱۹۹۸، ص ۱-۷).

ذیل موارد فوق، پژوهش‌های تجربی حاکی از آنند که بسیاری از جرایم شهری از ثبات مکانی-زمانی برخوردار بوده و همین ثبات، موجبات پیش‌بینی علمی جرم را فراهم می‌آورد (جانسون و همکاران، ۲۰۰۷، صص ۱-۱۶)؛ فلذا، نظریه فرصت و نظریه‌های وابسته به آن، بنیان معرفتی پیش‌بینی جرم را می‌سازند. قاعده «تقدیر الأمور قبل وقوعها» نیز بر روایتی نبوی استوار است که می‌فرماید: «كَيْسُ الْمُؤْمِنِ مَنْ حَسَنَ تَقْدِيرَهُ لِمُورِهِ»؛ بدین معنا که مؤمن خردمند، کسی است که پیش از وقوع امور، آن‌ها را درست تدبیر نماید (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۰۲)؛ بدین ترتیب، مبنای فوق، نقطه آغاز مناسبی را جهت بررسی فقهی پیش‌بینی جرم فراهم آورده و حاکی از آن است که اصل تدبیر پیشینی، در سنت

(حجرات، ۱۲) و روایات متعدد در منابعی چون وسائل الشیعه، هرگونه تجسس و تعرض به حریم خصوصی را ممنوع می‌دانند (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۵۸۴-۵۸۲) و مفسران نیز آن را مغایر کرامت انسانی دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۴۵). این ممنوعیت، در کنار قاعده احتیاط در عرض، حاکی از آن است که مدل‌های پیش‌بینی، علاوه بر حریم خصوصی، با حیثیت و آبروی افراد نیز در تعارض‌اند؛ زیرا نظارت پیش‌دستانه، حتی بدون تحقق جرم، می‌تواند به برچسب‌گذاری و تخریب شخصیت اجتماعی افراد منجر گردد.

یافته‌های تجربی نیز نشان می‌دهد که پیش‌بینی جرم در عمل با افزایش نظارت اجتماعی، گسترش جمع‌آوری داده‌ها و تقویت قدرت پلیس همراه است (برین، ۲۰۲۰، ص ۱۲۲-۱۴۵). این روند به تدریج نوعی «حکمرانی الگوریتمی» ایجاد می‌نماید که در آن شهروندان - حتی بدون ارتکاب جرم - در معرض نظارت دائمی قرار می‌گیرند (اشورث و زدنر، ۲۰۱۴، ص ۱۲۵). چنین وضعیتی از منظر حقوقی با اصولی همچون تناسب، ضرورت و منع مداخلات بی‌دلیل در زندگی خصوصی، مستند به اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ناسازگار است. تحلیل این تعارض نشان می‌دهد که مسئله حائز اهمیت، صرفاً «افزایش نظارت» نیست، بلکه «تغییر ماهیت نظارت» است؛ نظارتی که از ابزار کشف جرم به ابزار مدیریت پیشینی جمعیت و پیش‌بینی خطر تبدیل می‌شود (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۵؛ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۷؛ آموز، ۲۰۲۰، ص ۵۸).

در مجموع، چالش‌های پیش‌گفته نشانگر آن است که پیش‌بینی جرم، علی-الخصوص در سطح ثالثه، نه تنها از حیث فنی، بلکه از حیث معرفتی، اخلاقی، فقهی و حقوقی با محدودیت‌های جدی مواجه است. این



اسلامی نیز دارای ریشه است.

۳-۱. ارزیابی نظریه فرصت از منظر فقه اسلامی

فقه اسلامی، مسئولیت و مداخله را مبتنی بر «تحقق فعل» و «علم معتبر» می-داند؛ چنانکه اصل برائت و قاعده «الحدود تدرأ بالشبهات»، هرگونه مجازات یا محدودیت مبتنی بر ظن و احتمال را نفی می-نماید (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۳۵؛ سبحانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۲۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۶۰)؛ در مقابل، نظریه فرصت، مداخله را به «مرحله پیش از فعل» و بر پایه «ظنون غیرمعتبر» منتقل می-نماید. این تفاوت، تنها یک اختلاف روش‌شناختی نیست؛ بلکه بیان‌کننده دو نوع عقلانیت متمایز است: عقلانیت فقهی که بر تحقق فعل، قطعیت و حجیت علم تکیه داشته و عقلانیت پیش‌بینی‌محور که بر احتمالات و تحلیل‌های داده‌محور استوار بوده و مبتنی بر ظنون غیرمعتبر می‌باشد (علامه حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۹۱).

با این وجود، نقد فقهی عمدتاً ناظر به مواردی می‌باشد که پیش‌بینی جرم، مبنای مجازات، محدودیت آزادی یا مداخله کیفری قرار گیرد؛ نه در مواردی که پیش‌بینی صرفاً جهت دفع ضرر قطعی، احتیاط غیرکیفری یا تخصیص منابع به کار برود؛ چراکه در این سطح، قواعدی همانند «لاضرر»، «حزم»، «احتیاط در عرض» و «تقدیر الأمور قبل وقوعها» می‌توانند مبنای مشروعیت پیش‌بینی غیرکیفری قرار گیرند.

قاعده «حزم» (لزوم احتیاط و پیش‌بینی در امور) در منابع فقهی به مثابه یک اصل عقلایی و شرعی جهت ارزیابی مخاطرات و ضرورت پیش‌بینی در مدیریت امور عمومی (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، حکمت ۲۷۰)، امری معروف و پذیرفته شده می‌باشد؛ زیرا دفع ضرر قطعی و قریب‌الوقوع از جامعه، بدون آنکه حقی از افراد آن جامعه سلب شود، نه تنها ممنوع نیست؛ بلکه مورد تأکید واقع شده است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۳).

همچنین قاعده «تقدیر الأمور قبل وقوعها» مستند به روایت نبوی «کیس المؤمن من حسن تقدیره للأمور» است که در منابع حدیثی معتبر مطرح شده، مؤکد همین مورد است (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۰۲). مطابق قاعده «الحدود تدرأ بالشبهات» که از قواعد قطعی و غیرقابل تخصیص است، حدود با هرگونه شبهه، دفع می‌شوند (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۱۰، ص ۲۹۹)؛ فلذا، چنانچه اجرای حد با «شبهه» ممنوع باشد، به طریق اولی مداخله پیش‌دستانه کیفری که مبتنی بر «احتمال وقوع جرم» است، فاقد مشروعیت خواهد بود؛ افزون بر مورد مذکور، قواعد «لاضرر و لاجرح»، هرگونه حکم ضرری یا حرجی را نفی می‌نماید (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۵، ص ۴۲۷-۴۳۱). قاعده «احتیاط در عرض» نیز هرگونه اقدام پیش‌دستانه‌ای را که با احتمال ولو ضعیفی، سبب ورود لطمه به آبرو و حیثیت افراد گردد، ممنوع می‌داند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۰، ص ۲۹۸؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۲۵۵).

از دیگر سو، آیه ۱۲ سوره حجرات («وَلَا تَجَسَّسُوا») و تفاسیر و روایات متعدّد، تجسس و تعرّض به حریم خصوصی را ممنوع اعلام نموده (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، صص ۵۸۲-۵۸۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۴۵) و تجسس را ولو با هدف پیشگیری - به سبب نقض کرامت انسانی و ایجاد سوءظن ساختاری - ممنوع دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۴۵).

مفسران ذیل آیه «وَلَا تَجَسَّسُوا»، بیان نموده‌اند که «تجسس» به معنای جست‌وجوی عیوب پنهان و نفوذ در حریم خصوصی دیگران است. از آنجا که قرآن در ادامه، مؤمنان را از پیروی بسیاری از گمان‌ها نهی می-نماید، روشن است که صرف پیدایش ظن، مجوز هیچ‌گونه اقدام عملی نیست؛ زیرا عمل بر پایه سوءظن، فاقد حجیت شرعی بوده و نمی‌تواند مبنای محدودسازی افراد قرار گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۴۸۴). در



یا محدودیت کیفری نباشد و صرفاً جهت رعایت احتیاط غیر کیفری یا مدیریت منابع به کار رود؛ ثانیاً آنکه مبتنی بر علم معتبر باشد، نه ظنّ محض؛ ثالثاً آنکه بر مبنای قاعده لاضرر و در راستای دفع ضرر قطعی و قریب الوقوع باشد و رابعاً آنکه به نقض حریم خصوصی و تعرض به عرض افراد نینجامد. رعایت شرایط فوق الذکر، زمینه مشروعیت پیش بینی جرم را در سطح اولیه - همانند پیشگیری محیطی، طراحی شهری، تخصیص منابع و مدیریت ریسک - فراهم می آورد؛ فلکن پیش بینی ثالثه و مداخلات کیفری مبتنی بر احتمال را فاقد مبنای شرعی می سازد.

۲-۳. ارزیابی نظریه فرصت از منظر اصول بنیادین حقوق کیفری
ارزیابی نظریه فرصت از منظر اصول بنیادین حقوق کیفری، نشانگر آن است که این نظریه، با انتقال نقطه مداخله از «مرحله وقوع جرم» به «مرحله پیش از وقوع جرم»، ساختار سنتی مسئولیت کیفری را دچار دگرگونی مفهومی می نماید. اصل قانونی بودن جرم و مجازات اقتضا دارد که هیچ فردی پیش از تحقق رفتار مجرمانه، مورد تعقیب یا محدودیت کیفری قرار نگیرد (اردبیلی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۲۵؛ هوردر، ۲۰۱۶، ص ۴۱؛ اشورث، ۲۰۰۹، ص ۳۴؛ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۵؛ سایمستر و فون هیرش، ۲۰۱۱، ص ۵۶-۵۴)؛ لکن پیش بینی کیفری، مداخله را به زمانی مقدم بر وقوع جرم منتقل ساخته و بدین ترتیب، مرز میان پیشگیری و مجازات پیشینی را مخدوش می نماید (اردبیلی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۵؛ هوردر، ۲۰۱۶، ص ۴۱). مطابق منظر نظریه پردازان عدالت کیفری، جابه جایی زمانی فوق محل ایراد است؛ چراکه «پیش جرم» (pre-crime)، خطر تبدیل احتمال به مسئولیت را در پی داشته و بنیان های عدالت کیفری را تهدید می نماید (زدر، ۲۰۰۷، ص ۲۶۲).

افزون بر این، نظریه فرصت با تمرکز بر «محیط» به جای «فاعل»، می تواند به نوعی مسئولیت سازی غیر شخصی بینجامد؛ چراکه در صورت اتکای

تبیین فلسفه نهی مذکور نیز تأکید شده که تجسس و پیگیری عیوب پنهان، به تخریب شخصیت افراد، سست شدن اعتماد اجتماعی و تهدید کرامت انسانی می-انجامد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۵۷۹). برخی تفاسیر هم با اشاره به شأن نزول آیه فوق، این حکم را ناظر به صیانت از آبرو و جلوگیری از فروپاشی روابط اجتماعی دانسته اند (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۲۵۶). در منابع دیگر نیز هرگونه تعرض به حریم خصوصی، نقض حرمت انسان و مغایر با عدالت اجتماعی به شمار رفته است (قطب، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۴۲۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۱۲۲).

ماحصل این دیدگاه ها، نشانگر آن است که ممنوعیت تجسس، افزون بر یک توصیه اخلاقی، قاعده ای هنجاری جهت صیانت از آبرو، حریم خصوصی و اعتماد عمومی می-باشد؛ بنابراین، هرگونه اقدام پیش دستانه مبتنی بر ظن، گمان یا داده های غیر قطعی - من جمله مداخلات پیش بینی محور در سیاست جنایی - با روح آیه شریفه و مبانی فقهی ناسازگار می-باشد؛ زیرا فقه اسلامی، تنها «علم معتبر» را مبنای مشروعیت مداخله دانسته و «ظن» را فاقد ارزش اثباتی و هنجاری تلقی می نماید.

مطابق فقه اسلامی، حتی در حوزه تکرار جرم (که به ظاهر با پیش بینی ثالثه، قابل جمع می-باشد)، مداخله تنها زمانی مشروع است که فعل جدید بالفعل تحقق یافته باشد؛ لذا، تشدید مجازات از نظر فقهاء تنها زمانی امکان پذیر است که جرم جدید واقع شده باشد، نه اینکه صرفاً احتمال ارتکاب آن جرم وجود داشته باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص ۱۱۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۹۱)؛ بدین ترتیب، پیش بینی ثالثه در فقه اسلامی «پسینی» است، نه «پیشینی»؛ یعنی بر «تحقق فعل جدید» مبتنی است، نه بر «پیش بینی رفتار آینده».

ذیل موارد فوق، فقه اسلامی پیش بینی جرم را مطلقاً رد نمی نماید؛ بلکه پذیرش آن را منوط به رعایت شرایطی می داند: اولاً آنکه مبنای مجازات



شده و نه فرض بی‌گناهی شخص نقض می‌گردد. در این چارچوب، نظریه فرصت می‌تواند در سطح پیش‌بینی اولیه و اهداف غیرکیفری، بدون تهدید اصول بنیادین حقوق کیفری، مورد بهره‌برداری قرار گیرد؛ مشروط بر آنکه حریم خصوصی رعایت شود، ظن محض مبنای مداخله قرار نگیرد و احتمال به مسئولیت تبدیل نگردد.

۳-۳. ارزیابی نظریه فرصت از منظر جرم‌شناختی

نظریه فرصت، بر این پیش‌فرض استوار است که وقوع جرم، افزون بر عوامل فردی، ماحصل فراهم‌شدن شرایط محیطی و موقعیت‌های تسهیل‌کننده می‌باشد (فلسون، ۲۰۰۲، ص ۱۵-۱۸؛ کلارک، ۱۹۹۷، ص ۲-۵)؛ چنین رویکردی در حوزه‌هایی همچون پیشگیری وضعی و تحلیل نقاط داغ، کارآمدی خود را نشان داده است (کورنیش و کلارک، ۱۹۸۶، ص ۱-۷)؛ با این وجود، نکات حائز اهمیت و قابل تأملی پیرامون نظریه فوق‌الذکر و مرتبط با کاربردهای کیفری و علی‌الخصوص پیش‌بینی ثالثه، مطرح شده است.

نخست آنکه تمرکز صرف بر فرصت‌های محیطی، در برخی موارد به نادیده‌گرفتن عوامل گوناگون ساختاری و اجتماعی می‌انجامد (گارلند، ۲۰۰۱، ص ۱۴۲-۱۳۹؛ کرافورد، ۲۰۰۹، ص ۲۵-۲۱). دوم آنکه در صورت بهره‌وری نادرست، ممکن است برخی محلات یا گروه‌ها به عنوان «مناطق پرخطر» برچسب خورده و ساکنان آنها در معرض نظارت بیشتری قرار گیرند (وورتلی، ۲۰۱۰، ص ۷۵). همچنین پژوهش‌ها حاکی از آنند که ترکیب تحلیل فرصت با فناوری‌های پیش‌بینی‌محور، چنانچه بدون عنایت به ملاحظات حقوقی طراحی گردند، می‌توانند به نظارت گزینشی و بازتولید نابرابری‌ها بینجامند (فرگوسن، ۲۰۱۷، ص ۸۸-۹۲؛ هارکورت، ۲۰۰۷، ص ۷-۳)؛ محدودیت‌های فوق، عمدتاً ناظر به کاربردهای کیفری و پیش‌بینی ثالثه بوده و در ادبیات عدالت کیفری نیز نسبت به خطر تبدیل

کیفری به این نظریه، افراد ممکن است صرفاً به علت حضور در محیط‌های جرم‌زا یا عضویت در گروه‌های پرخطر، در معرض مداخله قرار گیرند؛ در حالیکه اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، مسئولیت را منوط به رفتار عینی و فردی می‌داند (اردبیلی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۳۰؛ اشروت، ۲۰۰۹، ص ۳۴). پژوهش‌های نظری نیز مبین این هشدار هستند که مداخلات مبتنی بر تحلیل فرصت می‌تواند به برچسب‌زنی جمعی، انگ‌سازی مناطق خاص و تضعیف اصل شخصی بودن مسئولیت منجر گردد (داف، ۲۰۰۷، ص ۸۸؛ تادروس، ۲۰۱۶، ص ۲۱۰-۲۱۲؛ وورتلی، ۲۰۱۰، ص ۷۵). این نگرانی‌ها علی‌الخصوص در سیاست‌های «حکمرانی از طریق جرم» برجسته‌تر می‌شود؛ جایی که تمرکز بر محیط و الگوهای خطر، جایگزین توجه به کنش فردی گردیده و نظام عدالت کیفری را به ابزاری جهت مدیریت پیش‌بینی جمعیت‌های پرخطر تبدیل می‌نماید (گارلند، ۲۰۰۱، ص ۱۳۹-۱۴۲).

از سوی دیگر، پیش‌بینی کیفری مبتنی بر احتمال است، نه علم معتبر و می‌تواند اصل برائت را نقض نماید؛ چراکه فرض بی‌گناهی تا زمان تحقق رفتار مجرمانه، مانع از هرگونه مداخله مبتنی بر ظن است (سبحانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۲۰؛ ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۲۱۰-۲۰۰؛ سایمستر و فون هیرش، ۲۰۱۱، ص ۵۶-۵۴). در چنین وضعیتی، امکان بروز خطر آن وجود دارد که «احتمال» به تدریج جای «تحقق فعل» را در توجیه مداخله بگیرد که امر مذکور، با بنیان‌های عدالت کیفری ناسازگار است.

با این حال، چنانچه پیش‌بینی جرم صرفاً جهت مدیریت ریسک غیرکیفری - همانند گشت‌زنی در نقاط داغ، تخصیص منابع یا طراحی مداخلات محیطی - به کار رود، تعارض بنیادینی با اصول مذکور ایجاد نمی‌گردد؛ زیرا در این سطح، نه مجازاتی اعمال شده، نه مسئولیتی بر فرد تحمیل



بنیان‌های اصلی مدل‌های پیش‌بینی جرم مبدل ساخته است؛ لذا، چنانچه رفتار مجرمانه محصول انتخاب عقلانی باشد، می‌توان با تحلیل فرصت‌ها، الگوهای مکانی-زمانی و جذابیت اهداف، احتمال وقوع جرم را در آینده برآورد نمود. پژوهش‌های تجربی نیز حاکی از آنند که بسیاری از جرایم شهری از الگوهای نسبتاً پایدار مکانی-زمانی پیروی نموده و این ثبات، به تقویت امکان پیش‌بینی علمی جرم می-پردازد (ویزبورد، ۲۰۱۵، ص ۱۳۶-۱۳۳؛ مولر و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۱۴۰۷-۱۴۰۵)؛ از این جهت، مواردی من جمله مدل‌های پیش‌بینی مبتنی بر داده، تحلیل نقاط داغ و الگوریتم‌های یادگیری ماشین، از منطق انتخاب عقلانی بهره می‌گیرند (کلارک، ۱۹۹۷، ص ۵-۲؛ اک و ویزبورد، ۲۰۱۵، ص ۱۴-۱۱؛ تاونزلی، ۲۰۱۷، صص ۹۲-۸۹)؛ با این حال، اتکای صرف به این نظریه می‌تواند به ساده‌سازی بیش از حد پدیده ارتکاب جرم بینجامد؛ زیرا تصمیم‌گیری انسانی همواره عقلانی کامل نیست و تحت تأثیر هیجان، فشار موقعیتی و محدودیت‌های شناختی قرار دارد (کانمن و تورسکی، ۱۹۷۴، ص ۱۱۲۴؛ تورسکی و کانمن، ۱۹۷۴، ص ۱۱۲۴؛ سایمون، ۱۹۵۵، ص ۹۹؛ کانمن، ۲۰۱۱، ص ۸؛ ون گلدر، ۲۰۱۴، ص ۱)؛ از همین رو، ارزیابی فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی این نظریه، از آن جهت ضرورت دارد که حدود مشروعیت و کارآمدی آن در سیاست جنایی را تصریح می‌نماید.

۱-۴. ارزیابی فقهی نظریه انتخاب عقلانی

جهت سنجش حدود مشروعیت پیش‌بینی جرم در چارچوب نظریه انتخاب عقلانی، ناگزیر بایستی نظریه فوق را با اصول بنیادین فقه کیفری مقایسه نمود؛ اصولی که بر قطعیت، تحقق فعل خارجی و منع هرگونه مسئولیت مبتنی بر احتمال استوار می-باشند؛ از این منظر، اتکای نظریه انتخاب عقلانی بر «ظن»، «احتمال» و «پیش‌بینی مبتنی بر داده» با این مبانی در تعارضی آشکار صورت می-پذیرد؛ زیرا که فقه در حوزه کیفری، تنها

«احتمال» به «مسئولیت» در سیاست‌های پیش‌بینی-محور هشدار داده شده است (زدنر، ۲۰۰۷، ص ۲۶۲).

ذیل موارد فوق-الذکر، لازم به ذکر است که نظریه فرصت در سطح پیشگیری اولیه و غیرکیفری، از ظرفیت‌های قابل توجهی نیز برخوردار می-باشد. اقداماتی همچون بهبود طراحی محیطی، افزایش نظارت طبیعی و تخصیص هدفمند منابع پلیسی، بدون تعرض به حقوق فردی، می‌توانند موجبات کاهش فرصت‌های جرم‌زا را فراهم آورند (اکبلوم، ۲۰۱۱، ص ۹۴-۹۰) در سطح اولیه پیش-بینی جرم، نظریه فرصت افزون بر عدم تعارض با اصول عدالت کیفری، می‌تواند ابزاری کارآمد جهت مدیریت ریسک و ارتقای امنیت عمومی به شمار رود؛ مشروط بر آنکه از تبدیل «تحلیل فرصت» به «پیش‌بینی کیفری» پرهیز شده و بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های پیشگیری وضعی، بدون ورود به مداخلات کیفری پیش‌دستانه تأکید گردد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ص ۸۱).

۴. پیش‌بینی جرم بر اساس نظریه انتخاب عقلانی

نظریه انتخاب عقلانی، یکی از حائز اهمیت-ترین چارچوب‌های تبیینی در تحلیل رفتار مجرمانه بوده و بر این پیش‌فرض استوار است که شخص علی-الخصوص در مقام ارتکاب جرم، کنشگری سنجش‌گر به شمار می-رود که رفتار خود را بر پایه ارزیابی هزینه‌ها و فایده‌ها جهت می-بخشد؛ مطابق این منظر، جرم هنگامی رخ می‌دهد که سود ادراک‌شده از عمل مجرمانه بر هزینه‌های احتمالی آن غلبه نماید؛ فلذا، هر تغییری در ساختار هزینه یا فایده، من جمله افزایش احتمال کشف، کاهش جذابیت هدف یا تقویت نظارت، می‌تواند به کاهش احتمال ارتکاب جرم بینجامد (کورنیش و کلارک، ۱۹۸۶، ص ۶۲-۴۱؛ بکر، ۱۹۶۸، ص ۱۸۰-۱۷۶).

همین منطق تصمیم‌گیری فوق، نظریه انتخاب عقلانی را به یکی از



سطوح رد نمی-پردازد؛ بلکه با تفکیکی ظریف لکن بنیادین میان «پیش‌بینی کیفری» و «پیش‌بینی غیرکیفری»، امکان بهره‌مندی از تحلیل‌های عقلانی و داده‌محور را در حوزه مدیریت ریسک و پیشگیری غیرکیفری فراهم می‌آورد؛ برای مثال، قاعدهٔ لاضرر، علی-رغم نفی هرگونه حکم ضرری، این اجازه را می‌دهد که جهت دفع ضرر قطعی یا قریب‌الوقوع، تدابیر احتیاطی غیرسالب آزادی اتخاذ نماید (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۵، ص ۴۲۷-۴۳۱). قاعدهٔ حزم نیز مؤکد ضرورت دوراندیشی و پیش‌بینی امور می‌باشد، بدون آنکه به تعرض حقوق افراد بینجامد (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۷۰). افزون بر مورد مذکور، قواعد فقهی معاصر نیز مؤکد بر این نکته است که تدابیر احتیاطی غیرسالب آزادی، در صورتی که فاقد ظن محض باشند، می‌توانند موجبات مشروعیت را فراهم آورند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۰۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۴۰).

ماحصل این مبانی، به صراحت، حاکی از آن است که فقه اسلامی، پیش‌بینی جرم را تنها در چارچوب پیشگیری غیرکیفری، مدیریت ریسک، تخصیص منابع و اقدامات غیرسالب آزادی پذیرا می‌باشد؛ در مقابل، پیش‌بینی کیفری، یعنی هرگونه محدودیت یا مجازات بر اساس احتمال، با اصول بنیادین فقهی ناسازگار است؛ لذا، تفکیک میان این دو فرایند کیفری و غیرکیفری پیش‌بینی، افزون بر یک نتیجهٔ تحلیلی، مبنایی اساسی جهت طراحی یک سیاست جنایی سازگار با فقه اسلامی به شمار آمده و می‌تواند نقطهٔ عزیمت بازنگری در مدل‌های پیش‌بینی جرم در نظام عدالت کیفری گردد.

۴-۲. ارزیابی نظریه انتخاب عقلانی از منظر اصول حقوق کیفری
ارزیابی نظریهٔ انتخاب عقلانی از منظر اصول بنیادین حقوق کیفری، نشانگر آن است که این نظریه، علی-الخصوص در کاربردهای کیفری و پیش‌بینی جرم در سطح ثالثه، با چالش‌های عمیق و ساختاری روبه‌رو می‌باشد.

رفتار محقق را معتبر دانسته و نسبت دادن جرم بر پایهٔ احتمال، حتی اگر مبتنی بر داده‌های پیچیده و الگوریتم‌های پیشرفته باشد را نمی‌پذیرد. نخستین و بنیادی‌ترین اصلی که با منطق پیش‌بینی کیفری جرم در تعارض می‌باشد، اصل برائت است؛ اصل مذکور، که از ارکان مسلم فقه جزایی به شمار می‌آید، هرگونه نسبت جرم مبتنی بر ظن، حتی حاصل از مدل‌های آماری و یادگیری ماشین، را نفی نموده و تنها تحقق فعل خارجی را معیاری جهت ایجاد مسئولیت می‌داند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۳۵). قاعدهٔ مشهور «الحدود تدراً بالشبهات» نیز منطق فوق را با قاطعیت بیشتری تقویت می‌نماید. مطابق قاعدهٔ ذکر شده، هرگونه شبهه، حتی شبهات ناشی از پیش‌بینی رفتار آینده، مانع از اعمال مجازات خواهد بود (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۶۰)؛ لذا، احتمال ارتکاب جرم در منطق فقهی «شبهه» به شمار رفته و نمی‌تواند زمینه‌ساز مجازات یا محدودیت کیفری گردد.

در کنار دو اصل فوق‌الذکر، «اصل عدم حجّیت ظن» به‌عنوان یکی از اصول مسلم و کلیدی فقه، مرز میان پیش‌بینی کیفری و غیرکیفری را روشن‌تر می‌سازد. فقه اسلامی میان «خطور ظن» (پیدایش گمان) و «عمل بر اساس ظن» تفکیکی بنیادین می‌گذارد: گمان، هرچند که پیچیده و مبتنی بر داده‌های انبوه بوده باشد، به خودی خود فاقد حجّیت شرعی بوده و نمی‌تواند مبنایی برای حکم یا مجازات قرار گیرد (علامه حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۹۱)؛ از این رو، مطابق منظر فقهی، این پیش‌بینی آماری، حتی در قالب مدل‌های پیشرفتهٔ یادگیری ماشین، صلاحیت مشروعیت‌بخشی به مداخلهٔ کیفری را ندارد. اتکای عملی بر ظن نیز در حوزهٔ کیفری، افزون بر فقدان حجّیت، با روح عدالت کیفری نیز ناسازگار می‌باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۱۱۲).

با این وجود، فقه اسلامی به رد پیش‌بینی جرم به‌طور مطلق و در همهٔ



دانست (فلچر، ۱۹۹۸، ص ۲۶).

سومین چالش ناظر به نظریه انتخاب عقلانی با عنایت ویژه به پیش‌بینی جرم از طریق فرایند کیفری و در سطح ثالثه، تعارض با اصل برائت و منع مسئولیت پیشینی می‌باشد. اصل برائت، فرض بی‌گناهی را تا هنگام اثبات جرم تضمین می‌نماید؛ لکن، پیش‌بینی کیفری، این فرض را تضعیف نموده و مسئولیت را به مرحله تصمیم‌گیری ذهنی یا الگوهای آماری منتقل می‌سازد (کافمن و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۶۸۱؛ لونا، ۲۰۱۷، ص ۹۴۵؛ اشورث، ۲۰۰۹، ص ۳۸). در ادبیات عدالت کیفری، این روند با عنوان «عدالت پیش‌دستانه» یا «عدالت پیش‌جرم» شناخته می‌شود (اشورث و زدنز، ۲۰۱۴، ص ۱؛ مک‌کالوک و ویلسون، ۲۰۱۶، ص ۱؛ آریگو و سلرز، ۲۰۲۱، ص ۱۰۴-۱۰۳) که جرم‌شناسان نیز نسبت به پیامدهای آن هشدار داده‌اند. به باور ایشان، پیش‌بینی در تصمیمات کیفری، نظام عدالت را از «پاسخ به جرم» به «مدیریت ریسک» تبدیل نموده و این تغییر، به تهدید بنیان‌های عدالت کیفری می‌انجامد (زدنز، ۲۰۰۷، ص ۲۶۲؛ تونی، ۲۰۱۸، ص ۵۸)؛ فلذا، نقد مشهور «عصر محاسباتی عدالت کیفری» نیز حاکی از آن است که اتکای بیش از حد به مدل‌های پیش‌بینی، به تدریج عدالت کیفری را از معیارهای اخلاقی و انسانی دور نموده و آن را به یک نظام آماری و بی‌روح مبدل می‌سازد (هارکورت، ۲۰۰۷، ص ۳-۷).

با وجود چالش‌های فوق، باید ما بین پیش‌بینی کیفری و پیش‌بینی اولیه تفکیک قائل شد. بسیاری از انتقادات حقوقی، معطوف به پیش‌بینی ثالثه می‌باشد؛ بدین معنا که پیش‌بینی جرم، مبنای مجازات، محدودیت یا تصمیم قضایی قرار گیرد؛ لکن، در پیش‌بینی اولیه که هدف آن تخصیص منابع، مدیریت ریسک و پیشگیری غیرسالب آزادی می‌باشد، شدت تعارض با اصول حقوق کیفری کمتر است؛ با این حال، حتی در سطح

حقوق کیفری مدرن، بر مجموعه‌ای از اصول استوار است که هدف آن‌ها، محدودسازی قدرت کیفری دولت، تضمین آزادی‌های فردی و صیانت از دادرسی عادلانه می‌باشد (پکر، ۱۹۶۸، ص ۵-۱)؛ فلذا هرگاه پیش‌بینی جرم مبتنی بر احتمال، جایگزین تحقق جرم واقعی گردد، اصول فوق‌الذکر در معرض تهدید قرار گرفته و نظام عدالت کیفری از «پاسخ به جرم» به «مدیریت ریسک» تغییر جهت می‌یابد.

نخستین چالش پیش‌بینی جرم مطابق فرایند کیفری و سطح ثالثه، تعارض با اصل قانونی بودن جرم و مجازات می‌باشد. اصل فوق اقتضا دارد که هیچ فردی پیش از تحقق رفتار مجرمانه مورد تعقیب یا محدودیت قرار نگرفته و قلمرو جرم‌انگاری صرفاً ناظر به رفتار محقق باشد؛ لکن، پیش‌بینی کیفری، مداخله دولت را به مرحله پیش از وقوع جرم منتقل کرده و نوعی «جرم‌انگاری مبتنی بر احتمال» ایجاد می‌نماید؛ وضعیتی که با روح اصل قانونی بودن که مؤکد قطعیت، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری است، ناسازگار می‌باشد (اردبیلی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۵؛ اشورث، ۲۰۰۹، ص ۷۸؛ هوساک، ۲۰۰۸، ص ۶۸-۶۵)؛ به تعبیر دیگر، روند فوق‌الذکر، «لغزش به سوی بیش‌جرم‌انگاری» بوده و یکی از خطرناک‌ترین پیامدهای سیاست جنایی مبتنی بر پیش‌بینی به شمار می‌رود (هوساک، ۲۰۰۸، ص ۶۸).

دومین چالش، تعارض با اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری می‌باشد. اصل مذکور مقرر می‌دارد که شخص، قابل مجازات نیست مگر به واسطه رفتار عینی و ارادی خود؛ لکن، پیش‌بینی کیفری، مسئولیت را از «فعل» به «احتمال فعل» منتقل نموده و شخص را نه به‌خاطر آنچه که ارتکاب یافته، بلکه به‌خاطر آنچه که ممکن است مرتکب آن گردد، در معرض محدودیت قرار می‌دهد (اردبیلی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۰؛ فلچر، ۱۹۹۸، ص ۲۵؛ اشورث، ۲۰۰۹، ص ۳۴)؛ فلذا، وضعیت فوق را می‌توان «گسست از مسئولیت مبتنی بر فعل» نامیده و آن را تهدیدی برای عدالت کیفری



۲۰۱۳، ص ۲۳۰-۲۲۰؛ وورتلی، ۲۰۱۰، ص ۷۸-۶۵؛ پیکرو و تیبتر، ۲۰۰۲، ص ۶۰-۴۵؛ در چنین مواردی، تصمیم‌گیری مجرمانه بیش از آنکه حاصل سنجش میزان هزینه و فایده باشد، تحت تأثیر هیجان، استرس، بی‌ثباتی محیطی و ضعف کنترل تکانه قرار دارد؛ امری که نظریه انتخاب عقلانی قادر به تبیین کامل آن نمی‌باشد.

افزون بر موارد فوق‌الذکر، یافته‌های روان‌شناختی نیز فرض «عقلانیت کامل» را به چالش می‌کشند. مطالعات رفتاری نشان داده‌اند که انسان‌ها در ارزیابی احتمال، پیامد و ریسک، دچار سوگیری‌های شناختی متعدّد شده و تصمیم‌گیری آن‌ها اغلب غیرخطی (Non-linear Decision-Making)، هیجانی و مبتنی بر میان‌برهای ذهنی (Heuristics) است (تورسکی و کانمن، ۱۹۷۴، صص ۱۱۲۴-۱۱۳۱؛ کانمن، ۲۰۱۱، صص ۲۰-۲۵). یافته‌های مذکور، نشانگر آنند که مدل عقلانی تصمیم‌گیری، تنها قسمت محدودی از واقعیت رفتار انسانی را پوشش داده و نمی‌تواند به‌تنهایی مبنایی دقیق جهت پیش‌بینی رفتار مجرمانه قرار گیرد؛ در همین راستا، برخی پژوهشگران تأکید نموده‌اند که مدل‌های مبتنی بر انتخاب عقلانی (Rational Choice Models)، در مواجهه با رفتارهای هیجانی و غیرعقلانی، دچار خطای سیستماتیک می‌شوند (چپمن و همکاران، ۲۰۲۲، صص ۴۵-۳۶).

نقد وارده دیگر، به پیامدهای تبعیض‌آمیز مدل‌های پیش‌بینی مربوط است. حتی در شرایطی که داده‌ها فاقد سوگیری آشکار باشند، مدل‌های پیش‌بینی می‌توانند چرخه‌های بازخورد تبعیض‌آمیز ایجاد کنند؛ زیرا افزایش نظارت در یک منطقه، داده‌های بیشتری از همان منطقه را تولید نموده و این داده‌ها، مجدداً پیش‌بینی‌های آینده را به همان سمت هدایت می‌کنند. چرخه مذکور نیز به‌تدریج به «تمرکز نظارت» و «تشدید کنترل ساختاری» می‌انجامد (میر و وسلز، ۲۰۱۹، صص ۱۰۳۵؛ هارکورت، ۲۰۰۷،

اولیه پیش‌بینی جرم نیز باید مراقبت نمود که پیش‌بینی به‌تدریج به حوزه کیفری سرریز نگشته و مرز میان «پیشگیری» و «مجازات» مخدوش نگردد (اشورث و زدنر، ۲۰۱۴، صص ۱۱۲). ادبیات «عدالت پیشگیرانه» نیز مؤکد نکته فوق می‌باشد که هرگونه اقدام مبتنی بر پیش‌بینی جرم، حتی در سطح غیرکیفری، باید با تضمین‌های حقوقی همراه شود تا از تبدیل آن به ابزار کنترل کیفری جلوگیری گردد (اشورث و زدنر، ۲۰۱۴، صص ۱۲۵-۱۳۰).

در نهایت، تحلیل حقوقی نشانگر آن است که نظریه انتخاب عقلانی، در مقام مبنای پیش‌بینی کیفری، توان مشروعیت‌بخشی به مداخله کیفری را نداشته و با اصول بنیادین حقوق کیفری در تعارض است. تنها در سطح پیش‌بینی اولیه و اقدامات غیرسالب آزادی است که می‌توان از ظرفیت‌های نظریه فوق بهره برد؛ آن هم مشروط به رعایت دقیق اصول قانونی بودن، شخصی بودن مسئولیت، فرض برائت و تضمین‌های حقوق بشری (اشورث و زدنر، ۲۰۱۴، صص ۱؛ تونی، ۲۰۲۰، صص ۲۲-۲۷).

۳-۴. ارزیابی جرم‌شناختی نظریه انتخاب عقلانی

ارزیابی جرم‌شناختی نظریه انتخاب عقلانی، حاکی از آن است که این نظریه، با وجود کارکرد تبیینی در برخی جرایم ابزاری، در برابر نقدهای جدی و چندلایه واقع شده است. مهم‌ترین نقد وارده، تقلیل‌گرایی عقلانی است؛ چراکه این نظریه، رفتار مجرمانه را به محاسبه سود و زیان تقلیل داده و نقش عواملی از قبیل عوامل ساختاری، فرهنگی، روان‌شناختی و موقعیتی را نادیده می‌گیرد. پژوهش‌های تجربی و نظری متعدّد نشان داده‌اند که بخش قابل توجهی از جرایم، علی‌الخصوص جرایم خشن، هیجانی، تکانشی و تکرارشونده، ما حصل محاسبه عقلانی نبوده‌اند؛ بلکه نتیجه فشار همسالان، اختلالات روانی، فقر، اعتیاد، ناکامی ساختاری و هنجارهای خرده‌فرهنگی (Subcultural norms) می‌باشند (ناگین،



روبه‌رو می‌باشد.

نتیجه‌گیری

برآیند تحلیل‌های مقاله حاضر، آشکار می‌سازد که پیش‌بینی جرم فی‌نفسه فاقد ارزش هنجاری مثبت یا منفی است؛ مشروعیت آن، به‌طور کامل، به دو متغیر وابسته است: اولاً «سطح پیش‌بینی» (اولیه، ثانویه، ثالثه) و ثانیاً «فرایند مورد نظر» (کیفری یا غیرکیفری)؛ تفکیک مذکور، که هسته مرکزی استدلال مقاله را شکل می‌دهد، حاکی از آن است که پیش‌بینی جرم نه یک مقوله یکپارچه، بلکه مجموعه‌ای از کاربردهای گوناگون با مبانی هنجاری متفاوت می‌باشد.

از یک نگاه، پیش‌بینی ثالثه، هنگامی که در قالب پیش‌بینی کیفری و با هدف اعمال مجازات، محدودسازی آزادی، تشدید نظارت پس از آزادی یا هرگونه مسئولیت‌سازی پیشینی به کار گرفته شود، با اصول بنیادین فقه اسلامی - همانند قاعده درء، حرمت تجسس، عدم حجیت ظن، اصل برائت و احتیاط در عرض - و نیز با اصول مسلم حقوق کیفری - همچون قانونی بودن جرم و مجازات، شخصی بودن مسئولیت و منع مسئولیت پیشینی - تعارضی بنیادین و غیرقابل رفع دارد. تعارضات فوق‌الذکر نیز ریشه در تفاوت معرفت‌شناختی دو منطق دارند: یکی مبتنی بر «پیش‌بینی احتمال» و دیگری بر «تحقق فعل»؛ به تعبیر دیگر، آنجا که احتمال جایگزین یقین گردد، عدالت کیفری جای خود را به مدیریت ریسک می‌دهد.

ص ۳-۷)؛ فلذا، گروه‌های خاص، علی‌الخصوص در محلات کم‌برخوردار، در معرض نظارت بیشتر و احتمال بالاتر بازداشت قرار می‌گیرند، حتی اگر رفتار آن‌ها تفاوتی با سایر گروه‌ها نداشته باشد. این پدیده در ادبیات جرم‌شناسی با عنوان «پیش‌گویی خودمحقق‌کننده» (self-fulfilling prophecy) شناخته می‌شود (مرتون، ۱۹۴۸، ص ۱۹۵).

با وجود چالش‌های فوق‌الذکر، پژوهش‌های تجربی حاکی از آنند که پیش‌بینی اولیه (محل‌محور) نسبت به پیش‌بینی ثالثه (فردمحور)، کارآمدتر و کم‌خطرتر است. مطالعات میدانی در آمریکا و اروپا نشانگر آن است که تمرکز بر نقاط داغ جرم، بدون هدف‌گیری افراد، می‌تواند موجبات کاهش نرخ جرم را فراهم آورد، بدون آنکه پیامدهای تبعیض‌آمیز شدید ایجاد نماید (مولر و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۱۴۰۷-۱۴۰۵؛ راتکلیف و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۱۴-۱۵؛ ساندرز و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۳۶۲-۳۶۰)؛ این یافته‌ها مؤید آنند که چنانچه نظریه انتخاب عقلانی، در سطح تحلیل فرصت‌های محیطی و طراحی مداخلات موقعیتی به کار رود، همچنان از ظرفیت‌های قابل توجهی برخوردار است؛ لکن در سطح فردمحور و کیفری، با محدودیت‌های جدی مواجه می‌باشد.

در نهایت، ارزیابی جرم‌شناختی حاکی از آن است که نظریه انتخاب عقلانی، در مقام یک نظریه تبیینی، تنها بخشی از واقعیت پیچیده رفتار مجرمانه را روشن نموده و نمی‌تواند به‌تنهایی مبنایی جهت پیش‌بینی ثالثه یا فردمحور واقع گردد. نظریه مذکور، هنگامی کارآمد می‌باشد که در کنار سایر رویکردها، من جمله نظریه‌های ساختاری، روان‌شناختی و محیطی، به کار رفته و از مبدل ساختن آن به ابزار پیش‌بینی کیفری مبتنی بر احتمال پرهیز گردد؛ به تعبیر دیگر، ظرفیت این نظریه، در پیشگیری اولیه و تحلیل فرصت‌های جرم قابل دفاع است؛ لکن در پیش‌بینی ثالثه و تصمیمات کیفری فردمحور، با چالش‌های معرفتی، تجربی و اخلاقی جدی



با عنایت به یافته‌های این پژوهش، پیشنهادات ذیل جهت تنظیم‌گری پیش‌بینی جرم در سیاست جنایی پیشگیرانه ارائه می‌گردد:

پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار قواعد روشنی را جهت جمع‌آوری، پردازش و بهره‌وری از داده‌های محیطی و مکانی در پیش‌بینی اولیه تدوین نماید تا از نقض حریم خصوصی و مداخلات مبتنی بر ظن جلوگیری گردد؛ همچنین، هرگونه کاربرد پیش‌بینی جرم جهت اعمال مجازات، تعیین نظارت یا محدودیت آزادی (پیش‌بینی ثالثه) ممنوع گردد؛ حال آنکه پیش‌بینی غیرکیفری در سطح اولیه، مطابق چارچوب فقهی و حقوقی، از قابلیت بهره‌وری برخوردار می‌باشد.

در راستای تنظیم‌گری الگوریتم‌ها، طراحی سازوکاری مستقل جهت نظارت شرعی و حقوقی بر مدل‌های پیش‌بینی ضروری به نظر می‌رسد تا شفافیت، پاسخگویی و عدم تبعیض در حیطه پیش‌بینی جرم تضمین گردد؛ همچنین ابزارهای پیش‌بینی غیرکیفری می‌توانند با قابلیت توضیح‌پذیری (Explainability) طراحی شده و تحت نظارت شرعی و حقوقی قرار گیرند؛ افزون بر موارد فوق‌الذکر، هرگونه سیستم پیش‌بینی جرم بایستی با ارزیابی مستقل و مستمر از اثربخشی و پیامدهای تبعیض‌آمیز احتمالی همراه گردد.

از نظریه‌های فرصت و انتخاب عقلانی می‌توان در حوزه‌هایی همچون طراحی شهری، کاهش فرصت‌های جرم و تخصیص بهینه منابع بهره گرفت، نه در حیطه کیفری؛ همچنین، پژوهش‌های آینده می‌توانند به بررسی نسبت میان قواعد فقهی و الگوریتم‌های پیش‌بینی و نیز تحلیل تجربی پیامدهای تبعیض‌آمیز مدل‌های پیش‌بینی در ایران بپردازند؛ ذیل موارد فوق، آموزش قضات و ضابطان پیرامون محدودیت‌های پیش‌بینی جرم، به‌مثابه یک اقدام تکمیلی، توصیه می‌گردد.

از نگاه دیگر، پیش‌بینی اولیه، در چارچوب پیش‌بینی غیرکیفری و صرفاً جهت نیل به اهدافی همچون تخصیص بهینه منابع، طراحی محیطی و پیشگیری موقعیت-محور، در صورت رعایت شروط اساسی - عدم بهره‌وری به مثابه مبنای مجازات، اتکا به علم معتبر، دفع ضرر قطعی و قریب‌الوقوع (مستند به قاعده لاضرر) و رعایت کامل حریم خصوصی و پرهیز از هرگونه تجسس - از مشروعیت هنجاری قابل دفاعی برخوردار می‌باشد. مطالعات تجربی بین‌المللی نیز مؤید کارآمدی این نوع پیش‌بینی جهت کاهش نرخ جرم، علی‌الخصوص در حیطه جرایم شهری و تکرارشونده، می‌باشند.

ذیل موارد فوق، فقه اسلامی و اصول حقوق کیفری، رویکردی مطلق‌گرایانه در قبال پیش‌بینی جرم نداشته و مطلقاً نیز آن را رد نمی‌نمایند؛ بلکه با تفکیک نظام‌مند ما بین سطوح و کاربردها، زمینه را جهت بهره‌مندی از پیش‌بینی اولیه در چارچوب سیاست جنایی پیشگیرانه فراهم می‌آورند. مقاله حاضر، ضمن نقد بنیادین کاربردهای کیفری پیش‌بینی جرم، حاکی از آن است که اتخاذ رویکردی گزینشی و مشروط نسبت به پیش‌بینی اولیه می‌تواند به بهبود کارآمدی سیاست جنایی، تخصیص بهینه منابع و ارتقای نظم و امنیت عمومی بینجامد، بدون آنکه خللی به اصول فقهی و حقوقی وارد گردد. یافته‌های فوق، دلالت‌های روشنی جهت بازطراحی نظام پیشگیری از جرم در ایران دارند؛ من جمله ضرورت تدوین چارچوب حقوقی جهت پیش‌بینی اولیه، ممنوعیت کاربردهای کیفری آن و انجام مطالعات تجربی بومی جهت سنجش پیامدهای تبعیض‌آمیز الگوریتم‌های پیش‌بینی؛ بدین ترتیب، مقاله حاضر تلاش نموده است تا گامی جهت تعیین مرزهای مشروع پیش‌بینی جرم برداشته و سیاست‌گذاران را به بازنگری در نقش و حدود کاربرد آن در نظام عدالت کیفری فراخواند.



منابع

منابع فارسی

- القرآن الکریم

- نهج البلاغه

- آخوند خراسانی، محمدکاظم، کفایه الاصول، جلد نخست، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.

- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، جلد دهم، قاهره، مکتبه القاهرة، ۱۳۸۸ق.

- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۹.

- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد های هشتم، یازدهم و بیست و پنجم، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.

- سبحانی، جعفر، المدخل إلى تاریخ علم الاصول، جلد نخست، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۲۲ق.

- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (تصحیح صبحی صالح)، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.

- شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، جلد چهاردهم، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ق.

- شیخ انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، جلد دوم، قم، مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.

- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد هجدهم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۹۰.

- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد نهم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للطبوعات، ۱۴۰۸ق.

- علامه حلی، حسن بن یوسف، تهذیب الوصول إلى علم الاصول، قم، مؤسسه الإمام الصادق، ۱۴۱۷ق.

- فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیة، جلد نخست، قم، مرکز فقه الأئمة

الأطهار، ۱۴۲۵ق.

- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، جلد بیست و هشتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

- قطب، سید، فی ظلال القرآن، جلد ششم، قاهره، دار الشروق، ۱۴۱۲ق.

- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، جلد پنجم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.

- لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی (ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی)، چاپ نهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۴۰۰.

- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.

- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد بیست و دوم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.

- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیة، جلد دوم، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۴۱۱ق.

- موسوی بجنوردی، سید محمد. قواعد فقهیه، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.

- الموسوی الخمينی، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «پیشگیری عادلانه از جرم» در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۵.

- نجفی توانا، علی، سیاست جنایی و پیشگیری از بزهکاری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۶.

- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد چهل و یکم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.

- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد هفدهم، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



Mapping, John Wiley & Sons, ۲۰۱۳

<https://doi.org/10.1002/9781118685181>

,Chapman, Adriane, Grylls, Philip, Ugwu-dike, Pamela – Gammack, David, & Ayling, Jacqui, «A Data-driven analysis of the interplay between Criminological theory and predictive policing algorithms», In Proceedings of the ۲۰۲۲ ACM Conference on Fairness, Accountability, and Transparency (FAccT '۲۲), pp.۳۶-۴۵. ACM, ۲۰۲۲

,Clarke, Ronald V, Situational Crime Prevention – Successful Case Studies (۲nd ed.), Harrow and Heston ۱۹۹۷

,Clarke, Ronald V., & Felson, Marcus, «Introduction – Criminology, routine activity, and rational choice», In Ronald V. Clarke & Marcus Felson (Eds.), Routine Activity and Rational Choice, pp. ۱-۷. Transaction Publishers, ۱۹۹۸
Cornish, Derek B., & Clarke, Ronald V, The Reasoning – Criminal: Rational Choice Perspectives on Offending Springer-Verlag, ۱۹۸۶

Duff, R. A. Answering for Crime: Responsibility and – Liability in the Criminal Law. Hart Publishing, ۲۰۰۷

Eck, John E., & Weisburd, David, «Crime places in crime – theory». In Crime and Place, Criminal Justice Press, ۲۰۱۵

,Ensign, Danielle, Friedler, Sorelle A., Neville, Scott – Scheidegger, Carlos, & Venkatasubramanian, Suresh, «Runaway feedback loops in predictive policing» Proceedings of the ۱st Conference on Fairness Accountability and Transparency, ۱۶۰-۱۷۱, ۲۰۱۸

<https://proceedings.mlr.press/v81/ensign18a.html>

– میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

منابع لاتین

Amoore, Louise. Cloud Ethics: Algorithms and the – Attributes of Ourselves and Others, Duke University Press
<https://doi.org/10.1515/9781478092766>. ۲۰۲۰

Arrigo, Bruce, & Sellers, Brian (Eds.), The Pre-Crime – Society: Crime, Culture and Control in the Ultramodern Age, Bristol University Press, ۲۰۲۱
<https://doi.org/10.56687/9781529205268>

,Ashworth, Andrew, Principles of Criminal Law (۶th ed.) – Oxford University Press, ۲۰۰۹

,Ashworth, Andrew, & Zedner, Lucia, Preventive Justice – Oxford University Press, ۲۰۱۴
<https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780198712527.001.0001>

Becker, Gary S, «Crime and punishment: An economic – approach», Journal of Political Economy, ۷۶(۲), ۱۶۹-۲۱۷ ۱۹۶۸

Berk, Richard A, Criminal Justice Forecasts of Risk: A – Machine Learning Approach, Springer, ۲۰۱۲
<https://doi.org/10.1007/978-1-4614-3085-8>

,Brantingham, Paul J., & Brantingham, Patricia L – Environment, routine and situation: Toward a pattern» theory of crime», In Ronald V. Clarke & Marcus Felson (Eds.), Routine Activity and Rational Choice, pp.۲۵۹-۲۹۴ Transaction Publishers, ۱۹۹۳

Brayne, Sarah, Predict and Surveil: Data, Discretion, and – the Future of Policing, Oxford University Press, ۲۰۲۰

Chainey, Spencer, & Ratcliffe, Jerry, GIS and Crime –



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



Kaufmann, Mareile, Egbert, Simon, & Leese, Matthias –
Predictive policing and the politics of patterns», British
Journal of Criminology, ۵۹(۴), ۶۷۴-۶۹۲, ۲۰۱۹
<https://doi.org/10.1093/bjc/azy060>

«?Lum, Kristian, & Isaac, William, «To predict and serve –
Significance, ۱۳(۵), ۱۴-۱۹, ۲۰۱۶

Luna, Erik, «Predictive policing and the presumption of –
innocence», Wake Forest Law Review, ۵۲(۴), ۹۳۳-۹۷۰.
۲۰۱۷

McCulloch, Jude, & Wilson, Dean. Pre-crime: Pre- –
emption, Precaution and the Future. Routledge, ۲۰۱۶
<https://doi.org/10.4324/9781315769714>

:Meijer, Albert, & Wessels, Martijn. «Predictive policing –
Review of benefits and drawbacks». International Journal
of Public Administration, ۴۲(۱۲), ۱۰۳۱-۱۰۳۹, ۲۰۱۹

Merton, Robert K, «The self-fulfilling prophecy», The –
Antioch Review, ۸(۲), ۱۹۳-۲۱۰, ۱۹۴۸
<https://www.jstor.org/stable/4609267>

,Mohler, George O., Short, Martin B., Malinowski, Sean –
& ,Johnson, Mark, Tita, George E., Bertozzi, Andrea L
Brantingham, P. Jeffrey, «Randomized controlled field
trials of predictive policing», Journal of the American
Statistical Association, ۱۱۰(۵۱۲), ۱۳۹۹-۱۴۱۱, ۲۰۱۵
<https://doi.org/10.1080/01621459.2015.1077710>

Nagin, Daniel S, «Deterrence in the twenty-first –
century», Crime and Justice, ۴۲(۱), ۱۹۹-۲۶۳, ۲۰۱۳
<https://doi.org/10.1080/670398>

O'Neil, Cathy, Weapons of Math Destruction: How Big –

Felson, Marcus, & Clarke, Ronald V, «Opportunity makes –
the thief», Police Research Series, Paper ۹۸. Home Office
۱۹۹۸

[_https://popcenter.asu.edu/sites/default/files/opportunity_makes_the_thief.pdf](https://popcenter.asu.edu/sites/default/files/opportunity_makes_the_thief.pdf)

:Ferguson, Andrew Guthrie. The Rise of Big Data Policing –
Surveillance, Race, and the Future of Law Enforcement
NYU Press, ۲۰۱۷

,Fletcher, George P, Basic Concepts of Criminal Law –
Oxford University Press, ۱۹۹۸

Garland, David, The Culture of Control: Crime and Social –
Order in Contemporary Society, University of Chicago
Press, ۲۰۰۱

,Harcourt, Bernard E, Against Prediction: Profiling –
Policing, and Punishing in an Actuarial Age, University of
Chicago Press, ۲۰۰۷

Horder, Jeremy, Ashworth's Principles of Criminal Law –
Oxford University Press, ۲۰۱۶, (9th ed)

Husak, Douglas, Overcriminalization: The Limits of the –
Criminal Law, Oxford University Press, ۲۰۰۸

,Johnson, Shane D., Summers, Lucia, & Pease, Ken –
Space-time patterns of risk», Security Journal, ۲۰(۱), ۱-۱۶»
۲۰۰۷

,Kahneman, Daniel, Thinking, Fast and Slow. Farrar –
Straus and Giroux, ۲۰۱۱

Kahneman, Daniel, & Tversky, Amos, «Judgment under –
uncertainty: Heuristics and biases», Science, ۱۸۵(۴۱۵۷)
۱۹۷۴, ۱۱۳۱-۱۱۲۴



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



<https://doi.org/10.1007/s11292-016-9272-0>

Sherman, Lawrence W. «The rise of evidence-based –
policing». *Crime and Justice*, ۴۲(۱), ۳۷۷-۴۵۱, ۲۰۱۳

Simester, Andrew P., & von Hirsch, Andreas. *Crimes –
Harms, and Wrongs: On the Principles of Criminalisation*.
Hart Publishing, ۲۰۱۱

Simon, Herbert A, «A behavioral model of rational –
choice». *The Quarterly Journal of Economics*, ۶۹(۱), ۹۹-۱۱۸

<https://doi.org/10.2307/1884852>. ۱۹۵۵

Tadros, Victor, *Wrongs and Crimes*, Oxford University –
Press, ۲۰۱۶

Tonry, Michael, *Doing Justice, Preventing Crime*, Oxford –
University Press, ۲۰۲۰

Tonry, Michael, *Predicting and Punishing: The Future of –
Criminal Justice*, Oxford University Press, ۲۰۱۸

Townsley, Michael, «Crime mapping and spatial –
analysis», In *The Handbook of Criminology*, pp.۸۹-۹۲
Routledge, ۲۰۱۷

Tversky, Amos, & Kahneman, Daniel, «Judgment under –
uncertainty: Heuristics and biases», *Science*, ۱۸۵(۴۱۵۷)
۱۹۷۴, ۱۱۳۱-۱۱۳۴

Van Gelder, Jean-Louis, «Affect and cognition in criminal –
decision making», In Jean-Louis van Gelder, Henk Elffers
Danielle Reynald, & Daniel Nagin (Eds.), *Affect and
Cognition in Criminal Decision Making*, pp.۱-۱۲. Routledge
۲۰۱۴

«Weisburd, David, «The law of crime concentration –
Crime and Justice, ۴۴(۱), ۱۳۳-۱۷۶, ۲۰۱۵

.Data Increases Inequality and Threatens Democracy
Crown, ۲۰۱۶

Packer, Herbert L, *The Limits of the Criminal Sanction –
Stanford University Press*, ۱۹۶۸

Perry, Walter L, McInnis, Brian, Price, Carter C., Smith –
Susan C., & Hollywood, John S. *Predictive Policing: The Role
of Crime Forecasting in Law Enforcement Operations*
RAND Corporation, ۲۰۱۳

Piquero, Alex R., & Tibbetts, Stephen G. (Eds.), *Rational –
Choice and Criminal Behavior: Recent Research and Future
Challenges*, Routledge, ۲۰۰۲

Ratcliffe, Jerry. *Intelligence-Led Policing* (۲nd ed.) –
Routledge, ۲۰۱۹

& ,Ratcliffe, Jerry H., Taylor, Ralph B., Askey, Andrew P –
Thomas, Kevin N, «The Philadelphia Predictive Policing
Experiment», *Journal of Experimental Criminology*, ۲۰۲۰
<https://doi.org/10.1007/s11292-019-0940-2>

Richardson, Rashida, Schultz, Jason M., & Crawford –
Kate, «Dirty data, bad predictions: How civil rights
violations impact police data, predictive policing systems
and justice», *NYU Law Review Online*, ۹۴, ۱۹۲-۲۳۳, ۲۰۱۹
[https://www.nyulawreview.org/online-features/dirty-data-](https://www.nyulawreview.org/online-features/dirty-data-bad-predictions-how-civil-rights-violations-impact-police-data-predictive-policing-systems-and-justice)

[bad-predictions-how-civil-rights-violations-impact-](https://www.nyulawreview.org/online-features/dirty-data-bad-predictions-how-civil-rights-violations-impact-police-data-predictive-policing-systems-and-justice)
[/police-data-predictive-policing-systems-and-justice](https://www.nyulawreview.org/online-features/dirty-data-bad-predictions-how-civil-rights-violations-impact-police-data-predictive-policing-systems-and-justice)

Saunders, Jessica, Hunt, Priscillia, & Hollywood, John S –
Predictions put into practice: A quasi-experimental»
evaluation of Chicago's predictive policing pilot», *Journal
of Experimental Criminology*, ۱۲(۳), ۳۴۷-۳۷۱, ۲۰۱۶



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و دانشگاه
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



.Encyclopedia of Victimology and Crime Prevention, Vol.1

.pp.۶۵-۷۸. SAGE Publications, ۲۰۱۰

«Zedner, Lucia, «Pre-crime and post-criminology –

.Theoretical Criminology, ۱۱(۲), ۲۶۱-۲۸۱, ۲۰۰۷

<https://doi.org/10.1177/1362480607075851>

Zedner, Lucia, Security, Routledge, ۲۰۰۹ –

<https://doi.org/10.4324/9780203871133>

<https://doi.org/10.1086/681659>

Weisburd, David, & Eck, John E, «What can police do to –

reduce crime, disorder, and fear?» The Annals of the

.American Academy of Political and Social Science, ۵۹۳(۱)

<https://doi.org/10.1177/0022716203262548>. ۲۰۰۴, ۶۵-۴۲

Wortley, Richard, «Critiques of situational crime –

.prevention», In Bonnie S. Fisher & Steven P. Lab (Eds.)